

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



# فروش ریالی نفت در بورس راهکار بی اثر کردن تحریم فروش نفت ایران

پژوهشگران:

محمود سحابی - سجاد حسین نیا



تهران، خیابان جلال آل احمد، جنب دانشکده  
اقتصاد دانشگاه تهران، پلاک ۳، ساختمان شماره ۳

شماره تماس: ۰۲۱-۸۸۰۱۹۵۵۰

[www.ITAN.ir](http://www.ITAN.ir)

تیرماه ۱۳۹۷



بخش	صفحه
خلاصه مدیریتی .....	۷
۱-مقدمه .....	۹
۲- ضرورت متنوع سازی روش های فروش نفت .....	۱۰
۳- انتخاب راهبرد مناسب برای بی اثر کردن تحریم فروش نفت ایران.....	۱۴
۴- تاریخچه فروش نفت در بورس.....	۱۷
۵- آسیب شناسی فرآیند عرضه نفت در بورس در سال های گذشته.....	۲۰
۶- پاسخ به اشکالات مطرح شده درباره فروش ریالی نفت در بورس.....	۲۴
۷- راهکار پیشنهادی برای فروش ریالی نفت در بورس.....	۲۸
۸- جمع بندی .....	۳۰



## خلاصه مدیریتی

در صورت بازگشت تحریم‌های آمریکا در زمینه فروش نفت ایران از اواسط آبان ماه ۹۷، این احتمال وجود دارد که شرایطی مشابه اوایل دهه ۹۰ تکرار شود و مجدداً میزان صادرات نفت کشور به شدت کاهش یابد. این موضوع به خاطر وابستگی قابل توجه ایران به درآمدهای نفتی، تبعات اقتصادی مهمی خواهد داشت. «مدل سنتی فروش نفت» و «استفاده از نظام بانکی بین‌المللی»، دو دلیل تأثیرگذاری تحریم‌های آمریکا در زمینه فروش نفت ایران در اوایل دهه ۹۰ بوده است. بر این اساس برای بی‌اثر کردن این تحریم‌ها لازم است:

الف) نفت با روشی غیر از مدل سنتی به بخش غیردولتی فروخته شود. در این صورت، امکان فروش نفت ایران در قالب محموله‌های کوچک و متوسط به مشتریانی که هویت آن‌ها برای آمریکا قابل شناسایی نیست، فراهم می‌شود. ب) وجوه آن به صورت ریالی و فارغ از نظام بانکی بین‌المللی تسویه گردد.

این اقدام از دو طریق امکانپذیر است: ۱) فروش نفت در بستر بورس و ۲) فروش نفت از طریق مذاکره مستقیم. بررسی‌ها نشان می‌دهد فروش نفت در بستر بورس به مراتب مناسب‌تر از فروش آن از طریق مذاکره مستقیم است زیرا هم قیمت به خاطر فضای شفاف و رقابتی بین خریداران در بالاترین سطح منطقی خود قرار می‌گیرد و هم از ایجاد فساد و رانت جلوگیری می‌شود. در نتیجه، بهترین راهبرد برای بی‌اثر کردن تحریم‌های آمریکا در زمینه فروش نفت، «فروش ریالی نفت در

بورس» است. در این صورت، به دلیل شفافیت انتخاب مشتری و تعیین قیمت در این روش، مسئولیتی متوجه مدیران امور بین‌الملل شرکت ملی نفت ایران نخواهد بود. صادرات نفت ایران نیز توسط بخش غیردولتی انجام می‌شود که علی‌رغم اجرایی شدن تحریم‌های آمریکا در این زمینه از انگیزه و انعطاف فراوانی برای فروش نفت برخوردارند. همچنین با فروش ریالی نفت، درآمد دولت مستقیماً به صورت ریال و مستقل از نظامات مالی بین‌المللی تأمین می‌شود.

با وجود بی‌انگیزه بودن مدیریت امور بین‌الملل شرکت ملی نفت ایران به فروش نفت در بورس، تاکنون این اتفاق دو مرتبه در تابستان و پاییز سال ۹۰ با هدف صادرات و نیز بهار و تابستان سال ۹۳ با هدف فروش داخلی، رخ داده است. با این حال، هر دو تجربه ناموفق بوده و تداوم نداشته است که مهم‌ترین دلایل آن عبارت‌اند از: شیوه نامناسب قیمت‌گذاری نفت، سخت‌گیری غیرمنطقی درباره زمان پرداخت وجه معامله، نامشخص بودن کیفیت نفت خام صادراتی عرضه‌شده، محل تحویل خاص و نهایتاً اخذ عوارض و مالیات.

اگرچه مدیریت امور بین‌الملل شرکت ملی نفت ایران تمایل دارد همچنان کل فروش نفت کشور را منحصراً در اختیار داشته باشد اما با توجه به شرایط تحریم، ضرورت دارد از راهبرد فروش ریالی نفت در بورس برای بی‌اثر کردن تحریم فروش نفت ایران بهره‌برد. در نظر گرفتن سهمی بیشتر از ۱۴/۵ درصد برای شرکت ملی نفت ایران از درآمدهای حاصل از فروش نفت در بورس و رفع مشکلات قبلی در این زمینه، از جمله شرایط لازم برای عرضه موفق نفت در بورس است.



## ۱- مقدمه

فرمان خروج آمریکا از برجام توسط رئیس‌جمهور این کشور در تاریخ ۱۸ اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۷ امضا گردید و قرار است فرآیند اجرایی شدن مجدد تحریم‌های آمریکا از جمله تحریم‌های فروش نفت ۱۸۰ روز بعد از امضای این فرمان (۱۴ آبان ماه ۹۷)، آغاز شود. به همین دلیل، این احتمال وجود دارد که شرایطی مشابه اوایل دهه ۹۰ تکرار و میزان صادرات نفت ایران دچار کاهش شدیدی شود که این موضوع به خاطر وابستگی قابل توجه کشورمان به درآمدهای نفتی، تبعات اقتصادی مهمی خواهد داشت. میزان صادرات فعلی نفت خام و میعانات گازی ایران حدود ۲/۵ میلیون بشکه در روز<sup>۱</sup> است و پیش‌بینی می‌شود با گذشت حدود یک سال از اجرایی شدن تحریم‌های فروش نفت، این حجم به حدود ۱/۳ تا ۱/۵ میلیون بشکه در روز کاهش یابد یعنی تقریباً همان اتفاقی که در سال‌های ابتدایی دهه ۹۰ رخ داد و فشار اقتصادی سنگینی به کشورمان وارد شد. بهترین راهکار بی‌اثر کردن این تحریم‌ها، «فروش ریالی نفت در بورس» است که اقدام بزرگی در راستای اجرای بند ۱۳ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی مبنی بر «مقابله با ضربه‌پذیری درآمد حاصل از صادرات نفت و گاز از طریق ایجاد تنوع در روش‌های فروش و مشارکت دادن بخش خصوصی در فروش» محسوب می‌شود.

۱. ۲,۲۰۱ میلیون بشکه در روز نفت خام و ۳۰۰ هزار بشکه در روز میعانات گازی

## ۲- ضرورت متنوع سازی روش‌های فروش نفت

به صورت کلی، تحریم‌های فروش نفت ایران توسط آمریکا به سه زیر بخش عرضه نفت، دریافت پول نفت و همچنین حمل و نقل آن تقسیم می‌شود. در ادامه توضیحاتی درباره هر کدام از این تحریم‌ها و دلایل تاثیرگذاری آن‌ها در اوایل دهه ۹۰ و نصف شدن حجم صادرات نفت ایران<sup>۱</sup> ارائه می‌شود:

- **تحریم‌های مربوط به عرضه نفت:** بر اساس قانون اختیارات دفاع ملی برای سال مالی ۲۰۱۲ (NDAA 2012) و دستور اجرایی شماره ۱۳۵۹۹ رئیس جمهور آمریکا در اوایل زمستان ۹۰، کشورهای خریدار نفت ایران موظف شده بودند در بازه‌های زمانی شش ماهه، میزان قابل توجهی از واردات نفت خود را به صورت مستمر کاهش دهند. این قانون از بهمن ماه ۹۰ اجرایی شد و وزارت خزانه‌داری آمریکا در گزارش‌های شش ماهه، میزان کاهش واردات نفت از ایران توسط کشورهای هدف، را بررسی می‌کرد و در صورت رعایت قانون فوق، اجازه ادامه واردات در شش ماه بعد را به آن کشورها می‌داد. این قانون علاوه بر کاهش مستمر عرضه نفت ایران که در نهایت به سمت صفر سوق داده می‌شد، فروش آن را کانالیزه می‌کرد و توانایی آمریکا برای کنترل آن را افزایش می‌داد. دلیل تاثیرگذاری این دسته از تحریم‌های آمریکا، «مدل سنتی فروش نفت ایران» بود. به این صورت که فروش کل نفت کشورمان توسط مدیریت امور بین‌الملل شرکت ملی نفت ایران صورت می‌گرفت و این شرکت دولتی، کل نفت ایران را در قالب محموله‌های بزرگ به مشتریان

۱. در اواخر سال ۹۰ و اوایل سال ۹۱، تحریم‌های آمریکا در زمینه فروش نفت ایران به شدت افزایش یافت و در نتیجه، مطابق با آمارهای موجود در ترازنامه هیدروکربوری کشور، میزان صادرات نفت ایران از حدود ۲ میلیون و ۲۰۰ هزار بشکه در روز در سال ۹۰ به حدود ۱ میلیون و ۱۰۰ هزار بشکه در روز در سال ۹۱ کاهش یافت.

مشخص و شناخته‌شده (شرکت‌های بزرگ نفتی، پالایشگاه‌ها و واسطه‌های خارجی سرشناس) می‌فروخت. همین موضوع سبب شده بود که آمریکا به راحتی بتواند ضمن رهگیری فرآیند حمل و نقل نفت ایران و تحریم فروشنده انحصاری آن (شرکت ملی نفت ایران)، خریداران محدود و شناخته‌شده نفت ایران را تحت فشار قرار دهد و در نتیجه، حجم فروش آن را کاهش دهد.

- **تحریم‌های مربوط به دریافت پول نفت:** یکی از مهم‌ترین بخش‌های تحریم‌های فروش نفت، تحریم‌های مربوط به دریافت پول فروش آن توسط دولت ایران است که با اجرایی شدن قانون NDAA 2012 در اوایل زمستان ۹۰، مطرح شد. بر اساس این قانون، بانک مرکزی ایران نمی‌توانست طرف یک تراکنش مالی باشد. یکی از راه‌کارهای اتخاذشده توسط کشورمان برای برطرف کردن این مشکلات، انتقال پول به کشورهای دیگر از جمله ترکیه و تبدیل آن‌ها به طلا و سپس واردات آن بود که منجر به افزایش ذخیره طلای ایران شد. با توجه به همین موضوع، در اوایل مردادماه ۹۱ رئیس‌جمهور آمریکا با صدور دستور اجرایی شماره ۱۳۶۲۲، تجارت طلا با ایران را تحریم کرد؛ در نتیجه، ایران نمی‌توانست از بازارهای کشورهای دیگر طلا خریداری و به داخل کشور منتقل کند. تقریباً همزمان با صدور این دستور اجرایی، قانون «کاهش تهدید ایران و حقوق بشر سوریه (TRA)» به امضای رئیس‌جمهور آمریکا رسید. بر اساس بخشی از این قانون که اسفندماه ۹۱ اجرایی گردید، واردکنندگان نفت ایران ملزم شدند تا مبلغ نفت خریداری شده از کشورمان را در حسابی به نام ایران در همان کشور واریز کنند. پول‌های نفتی در این حساب «قفل» می‌شدند و ایران نمی‌توانست این درآمدها را به داخل کشور خود یا کشور ثالثی انتقال دهد و برای تجارت از آن استفاده کند. در واقع، ایران تنها می‌توانست با این پول به تجارت دوجانبه با کشور میزبان در زمینه خریدهای انسان دوستانه (شامل واردات کالاهای اساسی (غذا)، دارو و ...)

بپردازد. دلیل تاثیرگذاری این دسته از تحریم‌های آمریکا، «استفاده از نظام بانکی بین‌المللی» در فروش نفت بود زیرا از آنجایی که نفت کشورمان در قالب محموله‌های بزرگ فروخته می‌شد و تراکنش‌های بانکی آن ارقام بزرگی بودند، انتقال این درآمدها توسط بانک‌های بزرگ خارجی صورت می‌گرفت. در این شرایط، آمریکا به راحتی می‌توانست با توجه به وابستگی شدید این بانک‌ها به استفاده از نظام پولی این کشور (دلار)، آن‌ها را با استفاده از ابزارهای متعدد تحت فشار قرار دهد و مانع دسترسی ایران به درآمدهای نفتی خود شود.

• **تحریم‌های مربوط به حمل و نقل نفت:** در قانون جامع تحریم ایران (CISADA) و قانون TRA که به ترتیب در تیرماه ۸۹ و مردادماه ۹۱ مصوب و به مرور اجرایی شدند، موارد مربوط به حمل و نقل نفت ایران از جمله بیمه انکایی نفتکش‌ها مورد تحریم قرار گرفتند. هدف این تحریم‌ها ایجاد اختلال در رسیدن نفت کشورمان به مقصد بود و ایران با ایجاد بیمه‌های جایگزین داخلی توانست تا حدی این محدودیت‌ها را برطرف کند.

آسیب‌شناسی صورت گرفته نشان می‌دهد که برای بی‌اثر کردن تحریم‌های آمریکا در زمینه فروش نفت ایران، لازم است راهبردی انتخاب شود که در آن، اصول زیر رعایت شده باشد:

الف- نفت ایران در قالب محموله‌های کوچک و متوسط و به مشتریانی از بخش غیردولتی که هویت آن‌ها برای آمریکا قابل شناسایی نیست، فروخته شود. این بخش علی‌رغم اجرایی شدن تحریم‌های آمریکا در زمینه فروش نفت ایران، هم انگیزه، انعطاف‌پذیری و توانایی به مراتب بیشتری برای فروش آن دارد و هم توانایی آمریکا برای تحریم کردن آن‌ها نسبت به شرکت ملی نفت ایران به مراتب کمتر است.

ب- تسویه وجوه حاصل از فروش نفت در بستری خارج از بستر نظام بانکی

بین‌المللی و با ارزی غیر از دلار و یورو و به صورت ریالی انجام شود. در این صورت، کشورمان دوباره با مشکل بلوکه شدن درآمدهای خود در سایر کشورها به خاطر تحریم‌های آمریکا درباره پول فروش نفت مواجه نمی‌شود و این تحریم‌ها عملاً بی‌اثر می‌گردد.

در نتیجه، لازم است فرآیند صادرات نفت کشورمان به جای تمرکز در مدیریت امور بین‌الملل شرکت ملی نفت ایران، از طریق فروش ریالی نفت به بخش غیردولتی، متنوع شود تا تحریم‌های نفتی آمریکا بی‌اثر گردد.



### ۳- انتخاب راهبرد مناسب برای بی‌اثر کردن تحریم فروش نفت ایران

در حالت کلی، دوروش برای فروش ریالی نفت صادراتی کشورمان به بخش غیردولتی وجود دارد: الف- مذاکره مستقیم و ب- بورس. بررسی‌های صورت گرفته نشان می‌دهد که به دلایل زیر فروش نفت در بستر بورس به مراتب مناسب‌تر از فروش آن از طریق مذاکره مستقیم است:

- **تعیین قیمت منطقی و بهینه:** فروش و تعیین قیمت نفت در بورس باعث می‌شود هزینه فروش نفت ایران علی‌رغم اجرایی شدن تحریم‌های آمریکا در این زمینه واقعی شود و هزینه اضافی به کشور تحمیل نگردد. در واقع، وقتی نفت ایران به واسطه ای فروخته شود باید با بالاترین قیمت فروخته شود ولی وقتی در شرایط تحریم این کار در بستر غیر بورسی صورت می‌گیرد، ممکن است نهایتاً این امر محقق نگردد. اما در صورت فروش نفت در بورس به دلیل اینکه این کار در فضای رقابتی و شفاف صورت می‌گیرد، بیشینه قیمت ممکن محقق می‌شود. در واقع، در صورت عرضه نفت در بورس، هر خریداری که بالاترین قیمت را پیشنهاد دهد می‌تواند نفت را خریداری کند و این بدان معناست که با ایجاد رقابت میان خریداران اثر منفی ناشی از تحریم‌ها حتی الامکان خنثی می‌گردد و قیمت تا جایی که ممکن و به صرفه باشد، بالا می‌رود.

- **جلوگیری از فساد و رانت:** روش قیمت‌گذاری فعلی نفت ایران روشی غیر شفاف و مبتنی بر تجربه و شناخت مدیران و کارشناسان امور بین‌الملل شرکت ملی نفت ایران است و نهایتاً قیمت‌گذاری با توجه به مذاکره مستقیم آن‌ها با متقاضیان خرید نفت کشورمان تعیین می‌شود. همین موضوع باعث شده است که نگرانی‌هایی درباره ایجاد فساد و رانت در فروش نفت کشورمان به بخش غیردولتی از طریق مذاکره مستقیم بخصوص در شرایط تحریم وجود داشته باشد. این در حالی است که کارکرد اصلی بورس شفاف شدن و شکل گرفتن

قیمت است. در واقع، قیمتی که در فضای رقابتی بورس با حضور فروشندگان و خریدار واقعی یا تعدد خریداران شکل می‌گیرد، قیمت بهینه و واقعی است.

علاوه بر موارد فوق، در صورت فروش نفت کشورمان در بورس و افزایش حجم آن، زمینه مناسبی برای عرضه نفت تولیدی کشورهای همسایه مانند عراق در این بورس فراهم می‌گردد. در صورت تحقق این امر و همچنین استفاده از ابزار اوراق سلف نفتی (پیش فروش نفت با استفاده از اوراق) و معاملات آتی که مهم‌ترین بخش اکثر معاملات در بورس‌های نفت جهان محسوب می‌شود، این امکان به‌مرور فراهم خواهد شد که ایران در زمینه تعیین قیمت نفت در منطقه، نقش مؤثری ایفا کند.

در نتیجه، راهکار اصولی و بلندمدت برای بی‌اثر کردن تحریم‌های آمریکا در زمینه فروش نفت، «فروش ریالی نفت در بورس» است که اقدام بزرگی در راستای اجرای بند ۱۳ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی مبنی بر «مقابله با ضربه‌پذیری درآمد حاصل از صادرات نفت و گاز از طریق ایجاد تنوع در روش‌های فروش و مشارکت دادن بخش خصوصی در فروش» محسوب می‌شود. به‌علاوه، خرید و فروش نفت در بورس در قوانین کشور هم مورد تأکید قرار گرفته است. به‌عنوان مثال، در بند «ح» ماده ۴ قانون برنامه ششم توسعه (مصوب اسفندماه ۹۵)<sup>۱</sup> و همچنین تبصره ۱ ماده ۱۳ قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور (مصوب اردیبهشت‌ماه ۹۴)<sup>۲</sup> بر ضرورت عرضه نفت در بورس انرژی تأکید شده است.

۱. «جهت تأمین حداقل دو و هشت‌دهم (۲/۸) واحد درصد از رشد هشت درصد (۸٪) اقتصاد از محل ارتقای بهره‌وری کل عوامل تولید و همچنین رشد سرمایه‌گذاری به میزان متوسط سالانه بیست و یک و چهاردهم درصد (۲۱/۴٪) در طول سال‌های اجرائی برنامه، کلیه دستگاه‌های اجرائی با هماهنگی با دولت اقدامات زیر را به عمل آورند. مسؤلیت اجرا بر عهده دولت هست: ح- توسعه بازار سرمایه با تأکید بر طراحی و مهندسی ابزارهای مالی و کالایی، توسعه بازار انرژی و عرضه نفت خام و فرآورده‌های نفتی در بورس انرژی، اصلاح نهادی حاکمیت شرکتی برای شرکت‌های عام و نهادهای مالی.»

۲. «استفاده از سازوکارهای بورس انرژی در خرید و فروش نفت خام و میعانات گازی و فرآورده‌های نفتی و انرژی برق در اولویت قرار دارد.»

با اجرای این راهکار، امکان فروش محموله‌های کوچک و متوسط نفتی به بخش غیردولتی در یک بستر رقابتی و باقیمت واقعی در شرایط تحریم و همچنین تحقق درآمدهای دولت به صورت ریالی فراهم می‌شود. همچنین به دلیل شفافیت انتخاب مشتری و تعیین قیمت در بورس، مسئولیتی متوجه مدیران و کارشناسان امور بین‌الملل شرکت ملی نفت ایران نخواهد بود.

به عبارت دقیق‌تر، فروش ریالی نفت در بورس یعنی محموله‌های نفتی به صورت فیزیکی در بورس انرژی خرید و فروش شوند و مطابق با سازوکارهای این بورس، عرضه‌کننده و متقاضی با اعلام برنامه‌های خود به کارگزاران به آن‌ها اجازه خرید و فروش نفت را بدهند. سازوکار حاکم بر فروش نفت در بورس همانند قواعد حاکم بر سایر معاملات بورس است که بر اساس آن هر متقاضی که بیشترین قیمت را قبل از باقی متقاضیان پیشنهاد دهد، به عنوان خریدار شناخته می‌شود. همچنین تضمین‌های لازم از هر دو طرف برای انجام معامله توسط بورس انرژی گرفته می‌شود.



## ۴- تاریخچه فروش نفت در بورس

در سال ۷۹ و با توجه به بند «ج» ماده ۹۵ قانون برنامه سوم توسعه کشور<sup>۱</sup>، موضوع فروش نفت در بورس در قالب «بورس نفت» برای اولین بار در دستور کار وزارت نفت قرار گرفت و مطالعات آن با مشارکت یک کنسرسیوم بین‌المللی شروع شد. تفاهم‌نامه راه‌اندازی این بورس در اردیبهشت‌ماه ۸۳ امضا گردید. در سال ۸۵، مقدمات راه‌اندازی بورس نفت از جمله مراحل مطالعاتی تعیین تالار، خرید نرم‌افزار و... انجام شد و اساسنامه آن مورد تصویب شورای بورس قرار گرفت. قرار بود فعالیت این بورس در همان سال آغاز شود ولی به دلایلی این امر محقق نشد. در بهمن‌ماه ۸۶، هیئت دولت راه‌اندازی دومرحله‌ای بورس نفت خام و فرآورده‌های نفتی را بر عهده وزارت امور اقتصادی و دارایی قرار داد که نهایتاً با پیگیری‌های این وزارتخانه و علیرغم موضع نه‌چندان موافق شرکت ملی نفت ایران، اولین عرضه نفت در بورس کالا در ۲۲ تیرماه ۹۰ صورت گرفت. در تابستان و پاییز آن سال، مجموعاً هفت مرتبه نفت خام در بورس کالا و هر مرتبه در قالب یک یا دو محموله ۵۰۰ هزار بشکه‌ای عرضه شد و تنها یک‌بار در تاریخ ۲۶ مردادماه ۹۰، یکی از این محموله‌های ۵۰۰ هزار بشکه‌ای توسط شرکت نیکو که یکی از شرکت‌های تابعه شرکت ملی نفت ایران است، خریداری شد. در گزارش شماره ۱۲۵۴۳ مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی که مردادماه ۹۱ منتشر شد، درباره این موضوع آمده بود<sup>۲</sup>: «یکی از دلایل شکست عرضه نفت در بورس از نظر بیشتر ناظران، بی‌میلی فروشنده بود تا نبود خریدار. به عبارت دیگر، طی سه ماهی که نفت خام روی تابلوی تالار بورس کالا در جزیره کیش رفت نه‌تنها مخالفت‌های شرکت ملی نفت ایران کمتر نشد بلکه شرایط

۱. «شورای بورس مجاز است: ج - نسبت به ایجاد بورس کالا با همکاری دستگاه‌های ذی‌ربط اقدام نماید».

2. [http://rc.majlis.ir/fa/mrc\\_report/show/822459](http://rc.majlis.ir/fa/mrc_report/show/822459)

فروش نفت به خریداران به گونه‌ای بود که تقریباً هیچ عرضه‌ای به معامله منجر نشد. از همان عرضه نخست نفت خام در بورس، خریداران خواهان اصلاح شرایط عرضه و نحوه تسویه بودند و از همان زمان پیگیری‌های خود را شروع کردند، ولی شرکت ملی نفت ایران هیچ انعطافی نسبت به تقاضای بورس و خریداران از خود نشان نداد.<sup>۱</sup>

باروی کار آمدن دولت یازدهم و با اعلام موافقت بیژن زنگنه، وزیر نفت با فروش نفت در بورس و پیگیری‌های مداوم مدیران بورس انرژی<sup>۱</sup> برای تحقق این امر، مجدداً عرضه نفت در بورس در نیمه اول سال ۹۳ اتفاق افتاد. از ۱۷ فروردین ماه ۹۳، روزانه ۲۹۲۰ بشکه نفت خام در رینگ داخلی بورس انرژی با شرایطی مانند فروش ریالی، تحویل نفت در پالایشگاه تبریز، قیمت‌گذاری بر مبنای متوسط قیمت صادراتی در ماه گذشته به دلار بر اساس نرخ آزاد و همچنین فروش داخلی (عدم امکان صادر کردن نفت) عرضه شد. این امر تا اواسط تابستان ۹۳ تداوم یافت و مجموعاً ۶۶ بار عرضه نفت انجام شد اما صرفاً ۱۲ معامله صورت گرفت. نهایتاً در ۲۰ مردادماه ۹۳، عرضه نفت در بورس انرژی بر اساس دستور هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران به دلیل عدم وجود تقاضا در این بورس متوقف شد. اوایل مهرماه همان سال، بیژن زنگنه، وزیر نفت در حاشیه نشست با فعالان بخش خصوصی در اتاق بازرگانی ایران، از عرضه ۱۰۰ هزار بشکه نفت خام در بورس انرژی باهدف صادرات و تسویه آن به صورت ریالی تا پایان همان ماه خبر داد.<sup>۲</sup> اما این وعده وزیر نفت محقق نشد و مجدداً نفت در بورس انرژی عرضه نگردید. بر اساس اظهارات سید محسن قمصری، مدیر وقت امور بین‌الملل شرکت ملی نفت ایران در آبان ماه ۹۳<sup>۳</sup> و

۱. در سال ۹۱، اولین فعالیت رسمی بورس انرژی با انجام معاملات برق، زغال‌سنگ و قطران کلید خورد.

2. <https://www.isna.ir/news/93070703976> & <https://www.shana.ir/fa/newsagency/225797>

3. <http://www.irna.ir/fa/News/81389986>

مهرماه ۹۵، عدم توافق این شرکت با بورس انرژی در زمینه قیمت نفت و چگونگی پرداخت آن، مهم‌ترین مانع عرضه مجدد نفت در این بورس بوده است.



## ۵- آسیب‌شناسی فرآیند عرضه نفت در بورس در سال‌های گذشته

همان‌طور که اشاره شد، تاکنون دومرتبه در تابستان و پاییز سال ۹۰ و همچنین بهار و تابستان سال ۹۳، نفت در بورس عرضه‌شده ولی هر دو تجربه ناموفق بوده و تداوم نداشته است. مهم‌ترین دلایل این موضوع عبارت است از:

### ۱- شیوه نامناسب قیمت‌گذاری نفت:

الف- بالا بودن قیمت پایه و عدم انعطاف‌پذیری در خصوص تغییر آن: در عرضه‌های نفت خام در بورس در سال‌های ۹۰ و ۹۳، شرکت ملی نفت ایران قیمت را از مقدار پایه اولیه کمتر نکرد. این در حالی بود که فرآیند تعیین این قیمت توسط چند کارشناس باتجربه مدیریت امور بین‌الملل شرکت ملی نفت ایران فرآیندی غیر شفاف بوده است. از طرف دیگر، مطابق ماده ۱۸ قانون توسعه ابزارها و نهادهای مالی جدید به منظور تسهیل اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم قانون اساسی (مصوب آذرماه ۸۸)<sup>۱</sup>، قیمت کشف‌شده در معاملات بورسی معتبر است و در نتیجه، اگر شرکت ملی نفت ایران، نفت خود را به کمتر از قیمت پایه می‌فروخت به هیچ اشکال قانونی بر نمی‌خورد و از طرف نهادهای نظارتی، مواخذه نمی‌شد. در هر صورت، شرط لازم برای معامله شدن نفت در بورس این است که شرکت ملی نفت ایران به سازوکارهای بورسی پایبند باشد و حاضر شود نفت تولیدی خود را به قیمتی که در بورس پیشنهاد می‌شود و خروجی مکانیسم بازار رقابتی بورس است، بفروشد. بدیهی است به دلیل ایجاد رقابت در میان مشتریان، این قیمت تفاوت چندانی با قیمت رسمی (OSP)<sup>۲</sup> نخواهد داشت. به عبارت دیگر، کاهش قیمت پایه، اگرچه ممکن است در معاملات اولیه، زیان‌ده به نظر برسد، اما با رقابتی شدن فضای بورس

۱. در این ماده آمده است: «دولت مکلف است کالای پذیرفته‌شده در بورس را از نظام قیمت‌گذاری خارج نماید».

2. Official Sale Price (OSP)

و افزایش تقاضا، می‌تواند حتی به فروش باقیمت‌های بالاتر از قیمت رسمی نیز منجر شود.

ب- عدم استفاده از نرخ ارز مرجع (دولتی) یا مبادله‌ای<sup>۱</sup>: قیمت پایه نفت خام عرضه‌شده در رینگ داخلی بورس انرژی در سال ۹۳ که تنها متقاضیان آن پالایشگران خصوصی داخلی بودند، معادل متوسط قیمت صادراتی در ماه گذشته بر اساس نرخ ارز آزاد بود. در حالی این اتفاق رخ داد که دولت یا شرکت ملی نفت ایران، ارز حاصل از صادرات نفت خود را بر اساس نرخ ارز مبادله‌ای با بانک مرکزی تسویه می‌کردند و همچنین قیمت فروش داخلی نفت به پالایشگاه‌های داخلی، ۹۵ درصد متوسط قیمت صادراتی در ماه گذشته بر اساس نرخ ارز مرجع (دولتی) بود. همین مدل قیمت‌گذاری، یکی از عوامل مهم عدم تمایل پالایشگران داخلی به خرید نفت خام موردنیاز خود از بورس بود. شرکت ملی نفت ایران می‌توانست با فروش نفت بر اساس نرخ ارز مبادله‌ای، این بازار را تحریک کند.

## ۲- سخت‌گیری غیرمنطقی درباره زمان پرداخت وجه معامله:

بازپرداخت بهای نفت در فروش نفت خام توسط مدیریت امور بین‌الملل شرکت ملی نفت ایران با شرکت‌های خارجی به روش سنتی با استفاده از ضمانت‌نامه‌های بانکی (LC) ۳۰ روزه، ۶۰ روزه و حتی ۹۰ روزه انجام می‌گرفت. با این وجود، درخواست این شرکت از خریداران داخلی در سال ۹۰، پرداخت ۸۰ درصد بهای محموله در موعد تحویل با وجود قیمتی یکسان با قراردادهای سنتی بلندمدت بود که درخواستی بیش از حد سخت‌گیرانه و به‌دور از انصاف به نظر می‌رسید. اگرچه بحث اطمینان‌فروشنده (شرکت ملی نفت ایران) از

۱. ارز مبادله‌ای، ارزی بود که در مرکز مبادلات ارزی که از سال ۹۱ تشکیل شد، برای برخی گروه‌های کالایی جهت واردات در نظر گرفته می‌شد. بر اساس آمارها، متوسط نرخ ارز دولتی در سال ۹۳، ۲۶۵۰ تومان بود ولی متوسط نرخ ارز مبادله‌ای و نرخ ارز آزاد در این سال به ترتیب ۲۸۰۰ و ۳۲۸۰ تومان بود.

پرداخت پول نفت توسط خریدار بحث مهمی است و می‌توان دلیل مدیریت امور بین‌الملل این شرکت مبنی بر عدم اعتبار کافی خریداران داخلی در مقایسه با شرکت‌های خارجی را تا حدی وارد دانست، اما روشن است که در صورت پرداخت ۸۰ درصدی در موعد تحویل، بایستی انتظار قیمتی پایین‌تر داشت که این‌گونه نبود. در نتیجه، منطقی بود زمان پرداخت وجه مشابه قراردادهای تک محموله شرکت ملی نفت ایران باشد که مدت‌زمان‌های متنوعی از ۱۰ روز تا بیش از ۹۰ روز را شامل می‌شد. گفتنی است شرکت ملی نفت ایران هیچ منع قانونی برای تغییر شرایط زمان پرداخت نداشت زیرا شرایط قرارداد خرید نفت در آئین‌نامه‌ها و مصوبات داخلی این شرکت تعیین شده است و هیچ قانون بالادستی درباره آن وجود ندارد.

### ۳- نامشخص بودن کیفیت نفت خام صادراتی عرضه شده:

در سال ۹۰، نفت خامی با عنوان نفت بهرگانسر در بورس عرضه شد که جزو هیچ‌کدام از سه نفت خام شناخته شده ایران در سطح جهانی (نفت سبک ایران، نفت سنگین ایران و نفت خام سروش و نوروز) نبود. در نتیجه، ورود به معامله این نفت که در بازارهای جهانی شناخته شده نبودند، برای معامله‌گران نوپای داخلی، ریسک بزرگی به حساب می‌آمد. منطقی بود که شرکت ملی نفت ایران، بخشی از نفت صادراتی خود را عرضه کند تا این نفت برای خریداران شناخته شده باشد.

### ۴- محل تحویل خاص:

یکی از دلایل مهم فروش نفت خام در رینگ داخلی بورس انرژی در سال ۹۳، تسهیل در تأمین خوراک پالایشگران داخلی و تشویق آن‌ها به توسعه ظرفیت پالایشی بود. اما با توجه به وابستگی قابل توجه حاشیه سود پالایشی به قیمت نفت خام تحویلی درب پالایشگاه، تحویل نفت خام عرضه شده در این بورس تنها

در یک نقطه از کشور (تبریز) و تحمیل هزینه‌های حمل‌ونقل آن به پالایشگران داخلی خصوصی سبب شد تا حاشیه سود پالایشی آن‌ها و تمایلشان به توسعه ظرفیت پالایشی و در نتیجه، تقاضای خرید نفت خام از بورس انرژی کاهش یابد. ضرورت داشت شرکت ملی نفت ایران، نفت خام عرضه‌شده در بورس را در چند محل مختلف، به خریداران تحویل می‌داد.

#### ۵- اخذ عوارض و مالیات:

الزام خریداران به پرداخت ۸ درصد معادل ارزش نفت خام معامله‌شده در رینگ داخلی بورس انرژی به‌عنوان مالیات بر ارزش افزوده یکی دیگر از عوامل تقاضای پایین برای نفت خام عرضه‌شده در این بورس بود. این امر باعث می‌شد که قیمت تمام‌شده نفت خام برای خریداران آن از طریق بورس، قیمتی بالاتر از ۱۰۰ درصد قیمت متوسط قیمت صادراتی در ماه گذشته بر اساس نرخ ارز آزاد باشد.

## ۶- پاسخ به اشکالات مطرح‌شده درباره فروش ریالی نفت در بورس

مدیران و کارشناسان امور بین‌الملل شرکت ملی نفت ایران که عموماً تمایلی به فروش نفت از طریق بورس ندارند، اشکالاتی را درباره این نحوه فروش نفت مطرح می‌کنند که در ادامه به بررسی آن‌ها می‌پردازیم:

### ۱- احتمال ارزان‌فروشی:

یکی از شروط لازم برای عرضه موفق نفت خام در بورس انرژی، پایین‌بودن به قواعد بورس و شناوری نسبی قیمت نفت عرضه‌شده در بورس با توجه به پیشنهادهای متقاضیان است و در نتیجه، این قیمت می‌تواند باقیمت رسمی تفاوت داشته باشد. اما مدیریت امور بین‌الملل شرکت ملی نفت ایران قیمت رسمی نفت را خط قرمز خود می‌داند و مدعی است که از لحاظ قانونی، نمی‌تواند نفت کشورمان را با قیمتی پایین‌تر از قیمت مذکور بفروشند. فارغ از غیر شفاف بودن روند تعیین قیمت رسمی نفت خام کشورمان توسط شرکت ملی نفت ایران، این ادعای این شرکت قابل قبول نیست زیرا:

الف- از لحاظ قانونی درباره فروش نفت خام باقیمت کشف‌شده در سازوکار بورس (ولو کمتر از قیمت رسمی) نگرانی وجود ندارد چون مطابق ماده ۱۸ قانون توسعه ابزارها و نهادهای مالی جدید به‌منظور تسهیل اجرای سیاست‌های کلی اصل چهارم قانون اساسی، قیمت کشف‌شده در معاملات بورسی معتبر است. همچنین مطابق تبصره ۲ ماده ۱۳ قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور، شرکت ملی نفت ایران مجاز است قیمت پایه نفت خام و میعانات گازی عرضه‌شده در بورس را تا دو درصد کمتر از نود و پنج درصد تحویل روی کشتی (فوب) خلیج فارس تعیین کند<sup>۱</sup>.

۱. متن این تبصره عبارت است از: «شرکت دولتی ذی‌ربط تابعه وزارت نفت مجاز است قیمت پایه نفت خام و میعانات گازی عرضه‌شده در بورس را:



ب- سازوکار بورس، رقابتی بوده و با توجه به وجود فروشنده و خریدار واقعی یا تعدد خریداران، قیمت حاصل شده در سازوکار بورس، قیمتی بهینه و واقعی است. در واقع، این قیمت به مراتب واقعی‌تر از قیمت رسمی است که توسط چند کارشناس مدیریت امور بین‌الملل شرکت ملی نفت ایران و به صورت غیر شفاف تعیین می‌شود. البته برای جذب خریداران نفت به حضور در بورس انرژی زمان لازم است و احتمالاً ضروری است در چند عرضه ابتدایی، ارزان‌فروشی اتفاق بیفتد اما ارزان‌فروختن نفت در این بورس باعث جذب مشتری‌های جدید می‌شود و رقابت میان آن‌ها مجدداً قیمت نفت عرضه‌شده در بورس را بالا می‌برد و این مشکل برطرف می‌گردد.

ج- استفاده از سازوکار بورس انرژی برای فروش نفت در زمان اجرایی شدن تحریم‌های آمریکا در این زمینه، باعث می‌شود هزینه فروش نفت ایران واقعی گردد و به حداقل برسد زیرا در این سازوکار، هر کس توانایی خرید و فروش نفت خام را دارد، وارد بازار می‌شود و در رقابت با سایر خریداران تا جایی که مطمئن باشد معامله‌ای سودآور انجام می‌دهد و این ریسک‌ها پوشش داده می‌شود، قیمت نفت را بالاتر پیشنهاد می‌دهد. در واقع، صرفاً کسانی متقاضی خرید نفت از بورس انرژی خواهند بود که در شرایط تحریم بتوانند با هزینه کمتری، نفت ایران را صادر کنند.

## ۲- شکل‌گیری مفاسد و رانت‌خواری:

با توجه به امکان حضور واسطه‌ها در بورس انرژی برای خرید نفت، مدیریت امور بین‌الملل شرکت ملی نفت ایران نگران شکل‌گیری مفاسد و رانت‌خواری و تکرار

۱- تا دو درصد (۲٪) کمتر از نودوپنج درصد (۹۵٪) تحویل روی کشتی (فوب) خلیج فارس تعیین کند.  
 ۲- تا سه درصد (۳٪) کمتر از بند (۱) برای توسعه پالایشگاه‌های موجود یا احداث پالایشگاه‌های جدید تا ده سال پس از بهره‌برداری، تعیین کند.»

برخی تجربه‌های تلخ دوران تشدید تحریم‌های فروش نفت در اوایل دهه ۹۰ است. اما این نگرانی هم قابل قبول نیست زیرا:

الف- سازوکار کشف قیمت در بورس، رقابتی است و اگر مشتریان متعدد (اعم از واسطه‌ها و خریداران واقعی) و بخصوص حداقل یک مشتری واقعی نفت (شرکت نفتی یا پالایشگر) وجود داشته باشد، هیچ نگرانی در این زمینه نباید داشت زیرا رقابت واقعی بین آن‌ها شکل می‌گیرد و نهایتاً قیمتی واقعی و بهینه تعیین می‌شود که فاصله زیادی با قیمت رسمی نفت خام ندارد. همچنین، حتی اگر صرفاً واسطه‌ها در بورس انرژی حضور داشته باشند هم ارزان‌فروشی رخ نخواهد داد چون سازوکار بورس، رقابتی است.

ب- مسئولیت تائید صلاحیت خریداران و اخذ تضمین لازم از آن‌ها بر عهده بورس انرژی است. در واقع، بورس به خریدار برای تحویل نفت و به فروشنده برای دریافت بهای معامله ضمانت می‌دهد. در نتیجه، بورس انرژی اعتبار هر دو طرف معامله بخصوص خریداران را می‌سنجد تا معامله بدون نگرانی از بدعهدی طرفین صورت گیرد. به عبارت دیگر، بورس انرژی موظف است تا با گرفتن وثیقه لازم از خریدار، تحویل بهای معامله به فروشنده را تضمین کند. همچنین بورس انرژی در مقایسه با شرکت ملی نفت ایران، در زمینه فروش نفت انعطاف‌پذیری به مراتب بیشتری از لحاظ شکلی و ساختاری دارد زیرا این شرکت صرفاً ضمانت‌نامه بانکی را قبول می‌کند اما بورس انرژی روش‌های مختلف دیگری برای گرفتن این وثیقه از خریدار نفت دارد.

### ۳- تحریم‌پذیری شرکت‌های خریدار:

علی‌رغم شفافیت بسیاری از اطلاعات درباره معامله‌های صورت گرفته در بورس انرژی، اطلاعات خریداران در این بورس اعلام نمی‌شود؛ یعنی مشخص نیست که چه کسی خریدار نفت خام کشورمان بوده و صرفاً مشخص است که

چه معامله‌ای با چه قیمتی در این زمینه صورت گرفته است. به عبارت دیگر، شفافیت سازوکار بورس به معنای آشکار بودن اطلاعات مربوط به خریداران نیست. در نتیجه، صرف بررسی شدن معامله نفت خام، خریداران آن را تحریم پذیر نمی‌کند. همچنین حتی در صورت شفاف شدن اطلاعات خریداران نفت کشورمان، احتمال تحریم شدن آن‌ها به مراتب کمتر است زیرا با توجه به شبکه‌سازی‌های شرکت‌های غیردولتی در کشورهای مختلف، انعطاف‌پذیری و توانایی آن‌ها برای فروش نفت ایران در زمان اجرایی شدن تحریم‌های آمریکا در این زمینه، به مراتب بیشتر است. به علاوه، توانایی آمریکا برای تحریم کردن این شرکت‌ها به مراتب کمتر است. تداوم میزان صادرات محصولات پتروشیمی بدون ایجاد مشکل خاصی در دستیابی به درآمدهای آن‌ها در اوج دوره تحریم‌ها، از مصادیق صحت این تحلیل است.

#### ۴- ورود به بازار شرکت ملی نفت ایران و قیمت‌شکنی:

این نگرانی به این دلیل غیر کارشناسی محسوب می‌شود که هر چند بخش قابل توجهی از خرید نفت کشورمان توسط پالایشگاه‌های خارجی به صورت قراردادهای بلندمدت (Long Term) است ولی بخشی از این خرید هم به صورت تک محموله (Spot) صورت می‌گیرد. در نتیجه، مدیریت امور بین‌الملل شرکت ملی نفت ایران نباید درباره امکان حضور بخش غیردولتی در بازار این شرکت در جهان نگرانی داشته باشد زیرا این امکان برای بخش غیردولتی وجود دارد که صرفاً در بازار تک محموله حضور پیدا کند تا هیچ صدمه‌ای به بازار اصلی شرکت ملی نفت ایران (بازار قراردادهای بلندمدت) وارد نشود.

## ۷- راهکار پیشنهادی برای فروش ریالی نفت در بورس

بررسی تلاش‌های ناموفق بخش غیردولتی برای فعالیت در زمینه فروش نفت ایران بخصوص هم‌زمان با اوج‌گیری تحریم‌های مرتبط در اوایل دهه ۹۰ و همچنین مطالعه دیدگاه‌های مدیران امور بین‌الملل شرکت ملی نفت ایران درباره این موضوع، به خوبی اثبات می‌کند که این مدیریت علاقه‌ای به فعالیت بخش غیردولتی در این زمینه را ندارد و همچنان می‌خواهد کل فروش نفت کشورمان را منحصراً در اختیار داشته باشد. همین دیدگاه انحصارگرایانه، ریشه اصلی عدم همکاری مناسب مدیریت امور بین‌الملل شرکت ملی نفت ایران برای موفقیت عرضه نفت در بورس در سال‌های ۹۰ و ۹۳ بوده است. حال آن‌که با توجه به شرایط تحریم، شرکت ملی نفت ایران چاره‌ای جز استفاده از توان بخش غیردولتی در فروش نفت از طریق بورس ندارد و لازم است این شرکت به جای ایجاد ممانعت در این مسیر، رویکردی فعالانه و مسئولانه اختیار کند. شرایط لازم برای عرضه موفق نفت خام و میعانات گازی در بورس انرژی عبارت است از:

- ۱- محموله‌ها در حجم‌های کوچک و متوسط (مثلاً چند ده هزار بشکه) و در یک دوره زمانی مشخص عرضه شود.
- ۲- این فرآیند با استفاده از بخش اندکی از صادرات کشورمان (مثلاً ۱۰ درصد) شروع شود و به‌مرور افزایش یابد.
- ۳- بهای خرید محموله‌ها به‌صورت ریالی تسویه شود.
- ۴- قیمت پایه عرضه این محموله‌ها در بورس تا مقدار کمینه ۹۰ درصد قیمت صادراتی پایین بیاید.
- ۵- سهم شرکت ملی نفت ایران از درآمدهای حاصله بیشتر از ۱۴/۵ درصد باشد تا انگیزه کافی برای این شرکت ایجاد شود.
- ۶- محل‌های متعدد برای تحویل محموله‌ها پیش‌بینی شود.

علاوه بر نکات فوق، تردیدی وجود ندارد که عرضه موفق نفت خام و میعانات گازی در بورس انرژی بدون اعمال نقش واسطه‌گری مؤثر بین فروشنده (شرکت ملی نفت ایران) و خریدار (بخش غیردولتی) توسط این بورس امکان‌پذیر نیست.



## ۸- جمع‌بندی

«فروش ریالی نفت در بورس» بهترین راهکار بلندمدت و اصولی برای بی‌اثر کردن تحریم فروش نفت ایران است. با توجه به سابقه این اقدام، پاسخ‌های مناسبی برای تمامی اشکالات مطرح‌شده توسط مدیریت امور بین‌الملل شرکت ملی نفت ایران درباره این راهکار وجود دارد که نشان می‌دهد بی‌توجهی این شرکت به پیاده‌سازی آن بخصوص در شرایط تحریم، قابل توجیه نیست. در شرایط تحریم، شرکت ملی نفت ایران چاره‌ای جز استفاده از توان بخش غیردولتی در فروش نفت از طریق بورس ندارد و لازم است به جای ایجاد ممانعت در این مسیر، رویکردی فعالانه و مسئولانه اختیار کند. سهم بیشتر از ۱۴/۵ درصدی شرکت ملی نفت ایران از درآمدهای حاصله، عرضه محموله‌ها در حجم‌های کوچک و متوسط و همچنین افزایش تدریجی حجم کل عرضه در بورس، از جمله شرایط عرضه موفق نفت خام و میعانات گازی در بورس انرژی است. در این صورت، شرکت ملی نفت ایران به خاطر دریافت سهم بیشتر از درآمدهای حاصله، بورس انرژی به خاطر دریافت کارمزد معامله و توسعه فعالیت‌ها و بخش غیردولتی به خاطر توسعه درآمد و کسب‌وکار، راضی خواهند بود و همچنین منافع ملی با توجه به افزایش درآمدهای حاصله از فروش نفت و تنوع در مقاصد و روش فروش آن تأمین خواهد شد.